

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ فبروری ۲۰۲۳

## از بد بدترش توبه! عاقبت به خیر!

**دوشنبه- ۲۴ دلو ۱۴۰۱ - کابل:** در یادداشت امروز در پیوند با عنوان شما را به قرن ۱۹ و داستان امیر عبدالرحمان خان و پیرمرد مظلوم ملی فروش نمی برم بلکه از حافظه‌تان کمک خواسته، به عنوان باشندگان کابل در دهه ۹۰ قرن بیست مشترکاً یک عبور کوتاه از دهلیز تاریخ می نمائیم:

۱- هرچند زندان و کشتارگاه مخوف پلچرخي در زمان ریاست جمهوری داوود خان بنیان گذاشته شد، مگر چون ساختمان آن در زمان حاکمیت مزدوران روس قابل بهره برداری گردید، از همین رو این زندان به مثابه سمبول و نماد بیش از یک دهه جنایت، کشتار، شکنجه و توهین و تحقیر هموطنان دربند ما که عمدتاً عناصر آزادیخواه و یا توده های بیگناه بودند، ثبت تاریخ شده در آماج نفرت عمیق مردم ما قرار گرفته بود.

۲- این را هم به یاد داریم که با آمدن و سلطه جهادی ها بر افغانستان و به خصوص کابل و سگ جنگی هائی که بین گروپ های متعدد جهادی به وجود آمد و کابل را به گورستان بیش از ۶۵ هزار از باشندگان آن و خانه های نشیمن را به قبرستان مالکان و باشندگان آن مبدل ساخت، تعدادی از همشهریان ما که توان نجات شان را از افغانستان و از کابل نداشتند و هیچ راه فراری را برای حفاظت از زن و دختر و خواهر و مادر و پسران نوبالغ و تازه سال خویش نمی دانستند، از دنیائی که در پرتو اسلام ناب محمدی قرار بود ساخته شود، فرار نموده به زندان بدنام و دهشتناک پلچرخي پناه بردند و بدین سان در تاریخ ثابت ساختند که ارتجاع وابسته به استعمار از خود استعمار جنایتکارتر، سفاکتر و شقی تر می باشند.

۳- در جریان دو دهه ای که امپریالیسم امریکا می خواست طالب را در یک روند و پروسه مغلق و پیچیده جنگ زرگری استخباراتی به یک نیروی نظامی مسلط باز سازی و استحاله نماید، یکی از دهشتناکترین ، سفاکترین و خونریزترین قومندانهای که با کشتار های ددمنشانه اش خواب از چشم باشندگان کابل ربوده بود، "سراج الدین حقانی" رئیس باند موسوم به "شبکه حقانی" بود. نامبرده که با اتکاء بر پیوند های عمیقش با استخبارات نظامی پاکستان و ارتجاع منطقه و امکانات مالی گسترده موفق شده بود نفوذ گسترده و وسیعی بین تعدادی از باشندگان ولایات پاکستان، پکتیکا، ننگرهار، کنرها و لغمان ایجاد نماید قادر شده بود برای بار اول در تاریخ افغانستان معاصر تشکل "قطعه انتحاری" را در چوکات باند "شبکه حقانی" به وجود بیاورد و بدان وسیله با کشتار و انفجارات ویرانگر دایمی، شخص

خودش و "شبکه حقانی" را به سمبول و نماد خشونت و آدمکشی نزد باشندگان افغانستان به خصوص شهروندان کابل تثبیت نماید.

۴- از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ بدین سو که امپریالیسم امریکا در یک روند افتضاح آمیز حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" را برداشت و "طالب" و "نظام ملاسالار" را بر جایش نشاند، سیاست های ضد ملی، ضد انسانی، وطنفروشانه و جنایتکارانه ای که تا اکنون از آدرس "طالب" و "نظام ملاسالار" اعلام و تعمیل شده است کار را به جایی رسانیده که قریب است تمام مردم و باشندگان کشور اینبار به جای پناه جستن در زندان مخوف "پلچرخ"، به دستبوسی برادران "حقانی" رفته، امنیت شان را در پیوستن به این سمبول خشونت و جنایت جست و جو نمایند..

حملات و انتقاداتی را که چند روز قبل "سراج الدین حقانی" بر نظام ملاسالار وارد ساخت و پاسخ غیر مؤبانه و دشنام گونه ای که "ذبیح الله مجاهد" برایش داد، در واقع نه تنها نمود اختلاف بین جناح های متعدد "طالب" و نظام ملاسالار است، بلکه بیانگر مواضع مختلف این جناح ها و تلاش آنها برای تثبیت حاکمیت جناحی خودشان نیز می باشد.

۵- تا جایی که از مطالعه روند قضایا فهمیده می شود، تضاد موجود بین جناح "حقانی" با جناح وابسته به "امیر غایب"، در واقعیت امر تبارز تضاد بین "سیا" و "آی. اس. آی." می باشد. یعنی در حالی که "آی. اس. آی." بر مینای ضرورت های منطقه ئی و اوضاع داخلی پاکستان با تمام قواء می کوشد به نحوی آرامش قابل قبولی را در افغانستان حاکم سازد و توسط عمال مطلقاً وابسته به خودش یعنی "شبکه حقانی"، از حدت تضاد ها بین مردم افغانستان و نظام ملاسالار از طریق کاستن فشار حاکمیت بر مردم، بکاهد و نگذارد کار به جایی برسد که مردم به صورت یک پارچه طالب و طالبیسم را به گورستان تاریخ سپرده، زحمات و قربانی های ۴۵ ساله پاکستان را به صفر ضرب بزنند؛ "سیا" با در نظر داشت ستراتیژی جهانی اش در منطقه، کمترین اعتنائی به خواست "آی. اس. آی." ننموده، با حمایت مطلق مادی و معنوی از جناح "امیر غایب" که همان جناح "قطر" است و پرداختن هفته وار بیش از ۴۰ میلیون دالر به آنها، سخت تلاش می ورزد تا در عین بی اعتنائی به دولت پاکستان و بقیه دولتهای منطقه، حاکمیت نظام ملاسالار را بر افزودن فشار بر مردم تشویق و ترغیب نماید.

۶- این که ادامه این سیاست ها به کجا خواهد کشید، یقیناً باز هم داستان "ملی فروش" مظلوم و "امیر جلاد" و گفتن "عاقبت به خیر" را تداعی می نماید. چه در یک طرف "شبکه حقانی" و در طرف دیگر باند "موافقتنامه دوحه" به سرکردگی "امیر غایب"، هر دو دشمن و قاتل مردم افغانستان می باشند.

هموطنان گرامی!

اینها یقیناً با همدیگر تضاد دارند و این تضاد های آنها ده ها ریشه و علت دارد، مگر یک نکته را نباید فراموش کرد، که تضاد درونی بین آنها به هر اندازه که عمیق باشد، عمق آن به اندازه عمق تضاد شان به عمق تضاد با نیروی انقلابی، با توده های میلیونی کشور، با روند تکامل تاریخ نمی رسد در نتیجه هر لحظه و هر زمانی که در مصاف با دشمنان طبقاتی، ملی و تاریخی خود قرار گیرند، متحدانه عمل خواهند کرد. ما نباید هیچ گاهی برای نجات جان ما به زندان مخوف پلچرخ پناه ببریم، بلکه می باید بکوشیم با ویران کردن زندان و نابودی زندانبان، دنیائی را که خود می خواهیم و در آن منفع ملی و تاریخی توده های میلیونی ما نهفته است، اعمار نمائیم.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**